

## بررسی و تحلیل جایگاه میراث فرهنگی در برنامه ششم توسعه

شهریار ساجدی رئیسی<sup>۱</sup>، سید ذکریا ادیانی<sup>۲\*</sup>، محمد زمان محمدی رئیسی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

### چکیده

میراث فرهنگی به مثابه اصالت و هویت افراد جامعه، بخش گسترده‌ای از فرهنگ عمومی است که به بخشی گرایی و مصرفی گرایی دچار شده است. بسیاری از نمادها و مصادیق میراث فرهنگی مطرود مانده یا فراموش شده اند و این روند فراموشی و بی تفاوتی - آگاهانه یا ناآگاهانه - با سرعت بسیار سرسام آوری همچنان ادامه دارد. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی به شناسایی انواع و مصادیق میراث فرهنگی و بررسی جایگاه آن در برنامه ششم توسعه پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد در برنامه ششم توسعه بر تعیین تکلیف کسب و کارهای گردشگری و نیز درآمد موزه‌ها و آثار تاریخی، احیای روستاهای دارای بافت تاریخی، تعیین وظایف دستگاه‌های اجرایی در رابطه با گردشگری و میراث فرهنگی و واگذاری بخشی از امور اجرایی به بخش خصوصی تاکید شده است. اما غالباً به میراث فرهنگی دینی، و نیز مادی و سودآور توجه شده است و با توجه به گستردگی میراث فرهنگی ملموس در ایران، تاکید این برنامه بر آن محدود و ناکافی می‌باشد. علاوه بر این، عملکرد این برنامه نسبت به میراث فرهنگی ناملموس، گزینشی، به همراه بی تفاوتی، انحصارگرایی، حاشیه رانی و یا طرد بوده است. برای گریز از این چالش؛ شناسایی، نگهداری و بازسازی میراث فرهنگی؛ آموزش همگانی و رسمی؛ گسترش تنوع فرهنگی، چند جانبه نگر و عدالت فرهنگی؛ ایجاد فضای تنفس برای فرهنگ بومی، محلی و قومی؛ و محوریت انسان در توسعه، از نکاتی است که باید در برنامه‌های توسعه بر آن‌ها تاکید شود تا موجبات پیشرفت کمی و کیفی توسعه پایدار، مردمی و انسانی فراهم آید.

**واژگان کلیدی:** میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، فرهنگ بومی و محلی، پساتوسعه، توسعه پایدار، تنوع فرهنگی و عدالت فرهنگی.

<sup>۱</sup> پژوهشگر مسائل فرهنگی و دکتری جامعه شناسی فرهنگی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.  
(E mail: shahriarsajedi.r@gmail.com)

<sup>۲</sup> دانشجوی دوره دکترای جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول).  
(E mail: szadyani@gmail.com)

<sup>۳</sup> دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه و پژوهشگر مسائل اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.  
(E mail: m.z.m.raeesi@gmail.com)

## مقدمه

در برنامه‌های توسعه، با اهمیت ترین مسایل باید در اولویت توجه، برنامه ریزی و سرمایه گذاری قرار گیرند. با وجود اهمیت میراث فرهنگی، به مثابه رکن چهارم توسعه پایدار، نیاز است که جایگاه آن در برنامه‌های توسعه مورد بررسی قرار گیرد، به ویژه میراث فرهنگی ناملموس ملی، بومی و محلی غیر دینی که بیشتر مهجور مانده است. غالباً مفهوم میراث فرهنگی را به آثار مادی تقلیل می‌دهند و بخش اعظمی از میراث فرهنگی که ناملموس است و بیشترین حضور را در زندگی روزمره دارد مسکوت می‌ماند. دلیل اصلی انتخاب برنامه ششم توسعه در این پژوهش، این است که با بررسی اجمالی، چندان تفاوتی میان برنامه‌های اول تا پنجم توسعه، در قبال میراث فرهنگی به چشم نمی‌خورد، اما چون سازمان میراث فرهنگی در تدوین برنامه ششم، حضور فعال داشته است، انتظار می‌رود که بیش از برنامه‌های قبلی بر میراث فرهنگی تاکید شده باشد.

فرهنگ مجموعه‌ای از ویژگی‌های متمایز معنوی، مادی، فکری و عاطفی، و شامل هنرها، نوشته‌ها، شیوه‌های زندگی، حقوق انسانی، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورهاست؛ فرهنگ این توانایی را می‌دهد که در مورد خود تأمل کنیم؛ به عنوان انسان عقلانی، دارای قضاوت انتقادی و احساس تعهد اخلاقی باشیم. ارزش‌ها را تشخیص دهیم و انتخاب کنیم، از خود آگاه شویم و به دنبال معانی جدید باشیم (Lai, 2014: 291). ویلیامز سه معنا از فرهنگ ارائه نمود: الف) فرهنگ به مثابه فرآیند کلی رشد فکری، معنوی یا زیبایی شناختی؛ ب) فرهنگ به مثابه یک شیوه زندگی خاص؛ و ج) فرهنگ به مثابه آثار و فعالیت فکری هنری (Dessein et al., 2015: 21). فرهنگ به مثابه میراث فرهنگی، ابزاری برای گفتگو (Tilbury & Mulà, 2009)؛ و ستون چهارم پایداری (Mergos, 2017) نیز مطرح می‌باشد. میراث شامل آن چیزهایی در محیط طبیعی و فرهنگی است که از نسل‌های قبلی به ارث برده‌ایم - یا گاهی توسط نسل کنونی ایجاد شده‌اند - و فکر می‌کنیم آن قدر مهم هستند که باید به نسل‌های آینده انتقال دهیم (Logan, 2007: 34). میراث فرهنگی، همه آثار گذشتگان است که دارای ارزش فرهنگی است و "در ابتدا تنها شامل میراث ملموس مانند ساختمان‌ها، بناها و مکان‌های تاریخی می‌شد اما به تدریج به همه ابعاد ناملموس نیز گسترش یافت و به مجموعه‌ای از منابع به ارث برده شده از گذشته و شیوه‌های زندگی یک جامعه شامل آداب و رسوم، شیوه‌ها، باورها، دانش‌ها، سنت‌ها، مکان‌ها، اشیاء، جلوه‌های هنری، ارزش‌ها، و همه جنبه‌های محیط زیست متأثر از تعامل بین افراد و مکان‌ها در طول زمان گفته می‌شود" (Jelincic, 2020: 8). میراث فرهنگی شامل طیف گسترده‌ای چون اماکن و بناهای باستانی و تاریخی، اشیاء، سنت‌ها و فرهنگ، جنبه‌های خلاقیت انسان، عکس‌ها، اسناد، کتب، شهرها و اماکن طبیعی است. میراث بسیار فراتر از مراقبت، حفاری، نمایش یا بازسازی مجموعه‌ای از چیزهای قدیمی است (Mergos & Patsavos, 2017: 22). بنابراین میراث فرهنگی مادی یا ملموس شامل بناها و مکان‌های تاریخی، آثار باستانی، مجسمه‌ها، کتاب‌ها، اسناد، آثار هنری، صنایع و هنرهای دستی و سنتی، ابزار مورد استفاده، پوشش محلی، غذاهای محلی یا سنتی و... می‌باشد.

میراث فرهنگی ناملموس به رسوم، نمایش‌ها، دانش، مهارت‌ها، ابزار، اشیاء، مصنوعات دستی و فضاها فرهنگی مرتبط با آن‌ها گفته می‌شود که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، و جوامع، گروه‌ها و در برخی موارد افراد، آن‌ها را به عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود می‌شناسند. مظاهر فرهنگی گذشته که دیگر به کار نمی‌روند، بخشی از تاریخ فرهنگی هستند، اما میراث ناملموس، میراث زنده‌ای است که امروزه جوامع به عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود می‌شناسند و شامل: الف) سنت‌ها و مظاهر شفاهی از جمله زبان؛ ب) هنرهای نمایشی (موسیقی سنتی، رقص و تئاتر)؛ ج) آداب و رسوم اجتماعی، آیین‌ها و جشن‌ها؛ د) دانش و فعالیت‌های مربوط به طبیعت و جهان؛ و ه) معماری سنتی و هنرهای دستی می‌باشند (UNESCO, 2003: 4). میراث ناملموس شامل "شیوه‌های زندگی، زبان، ادبیات، موسیقی و ترانه، ارتباطات غیر کلامی، دین یا نظام‌های عقیدتی، مراسم، ورزش و بازی‌ها، روش‌های تولید یا فناوری، محیط‌های طبیعی و مصنوعی، غذا، لباس، هنرها، آداب و رسوم و سنت‌هایی است که از طریق آن افراد، گروه‌ها یا جوامع، انسان بودن، و معنای وجودی خود را بیان می‌کنند و دیدگاه‌های خود را نسبت به جهان نشان می‌دهند"

(Lai, 2014: 294). میراث ناملموس، به مثابه میراث زنده تجسم یافته در مردم است یعنی به جای اشیای بی جان، در انسان تجسم می‌یابد (Logan, 2007: 50). فرهنگ ناملموس یک نیروی زنده است که دائماً در پاسخ به محیط اجتماعی و فیزیکی، توسط جوامع و گروه‌ها بازآفرینی می‌شود؛ جنبه ضروری هویت جامعه است و احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت انسانی را ترویج می‌کند (Ruggles & Silverman, 2009: 3). میراث فرهنگی ناملموس یا سنت‌های زنده (Blake, 2017: 53)، شامل بخشی از فرهنگ مانند ارزش‌های اجتماعی، سنت‌ها و روش‌ها، آداب و رسوم، عرف، آیین‌ها، مهارت‌ها و تکنیک‌ها، دانش بومی، طب سنتی، جشن‌ها، دین، مذهب، اساطیر، باورها و اعتقادات، هنرهای نمایشی، موسیقی، باورهای زیبایی‌شناسانه، آثار هنری، رقص، آواز، شعر و ترانه، زبان، لهجه و گویش و غیره است که به شکل شفاهی و سینه به سینه به ارث رسیده است. "میراث فرهنگی به مثابه حافظه جمعی یک ملت است" (تومه، ۱۳۷۳: ۴). دین و انواع و مصادیق آن، تنها بخشی از میراث گسترده فرهنگی ملموس و ناملموس یک جامعه به شمار می‌آید. مفهوم میراث فرهنگی، شیوه‌های بومی سنتی مانند زبان، هنر، موسیقی، رقص و آهنگ را پوشش می‌دهد. میراث فرهنگی و بومی به فرهنگ و میراث محلات، اقلیت‌ها و اقوام راجع است. میراث فرهنگی بومی شامل ذخایر فرهنگی، ادبی، هنری و طبیعی، و یک فرهنگ محلی - منطقه‌ای است که دارای مرز معین فرهنگی است. افراد بومی از طریق آن خود را با دیگران غیر بومی متمایز می‌کنند. "فرهنگ محلی، آخرین مرز اصالت فرهنگی و خالص‌ترین آن‌هاست" (پیترز، ۱۳۹۴: ۱۲۹). فرهنگ بومی و محلی، بخشی از میراث فرهنگی است.

مبانی و اصول میراث فرهنگی عبارتند از: الف) میراث فرهنگی یک منبع ارزشمند، محدود، تجدیدنپذیر و غیرقابل جایگزین است که باید به دقت مدیریت شود. ب) هر نسلی مسئولیت اخلاقی دارد که امانتدار میراث طبیعی و فرهنگی برای نسل‌های بعدی باشد. ج) هر ملتی دارای میراث فرهنگی غنی منحصر به فرد و شایسته حفاظت است. د) همه میراث‌های فرهنگی حق حفاظت دارند و این به نفع همه است. ه) هر فرد، جامعه و نهاد باید اطمینان یابد که میراث‌ها آسیب نبینند یا تخریب نشوند. و) بسیاری از منابع فرهنگی، تاریخی و طبیعی غیرقابل جایگزین هستند و باید به خوبی مراقبت شوند (Naibei, 2014: 6).

میراث فرهنگی دستاوردی است که در زندگی روزمره ما اهمیت اساسی دارد. "فهم گسترده و شفاف از تاریخ فرهنگی راهگشای توسعه کشور است" (سن، ۱۳۸۶: ۳۶). مهم‌ترین نقش میراث فرهنگی، در هویت یابی، تقویت سرمایه اجتماعی و تقویت اعتماد و انسجام اجتماعی است. برخی از مهم‌ترین نقش‌ها و اهمیت میراث فرهنگی در جامعه را می‌توان بدین گونه برشمرد: تقویت احساس تعلق به مکان، کاهش فقر و تقویت رفاه، افزایش خلاقیت و جذابیت مناطق، افزایش مزایای طولانی مدت گردشگری (Labadi et al., 2021: 12)؛ افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس فردی و جمعی، گسترش مشارکت بیشتر در فعالیت‌های مدنی، تحریک گفت‌وگوی بین فرهنگی، به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی (Baltà, 2018: 13)؛ تحریک جوامع محلی و جوانان برای ارتباط مناسب با محیط زیست، تقویت تولید و رقابت، کمک به پایداری اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی و بهبود زندگی مردم (Jelincic & Glivetic, 2020: 9)؛ تضمین پایداری، افزایش سلامت جامعه، درک متقابل، کیفیت زندگی و احساس تعلق در جامعه (Petti et al., 2020: 13)؛ تسهیل ارتباطات اجتماعی، بستری برای صداهاى ناشنیده (Dessein et al., 2015: 40)؛ بازتابنده تاریخ و هویت افراد، تقویت غرور و افتخار آن‌ها (Logan, 2014: 161)؛ تقویت هویت اجتماعات، ایجاد پیوند بین نسل‌های قدیمی و جدید، افزایش اعتماد (Miranda, 2019: 82)؛ ایجاد فرصت‌های شغلی، کمک به ایجاد، پرورش و تشویق نوآوری، تقویت سیاست شمول، احساس تعلق به مکان، ابزاری قوی برای رشد اقتصادی هوشمند و فراگیر، جذب سرمایه‌گذاری و تضمین مشاغل سبز، محلی، پایدار و مناسب، انعطاف‌پذیری، نوآوری، کارآفرینی، استفاده از منابع محلی، ارتقای مهارت‌ها و دانش، مقابله با چالش‌های اکولوژیکی و فرهنگی، جلوگیری از کاهش تنوع فرهنگی و زیستی، کاهش تخریب زمین و میراث، کاهش اثرات اقلیمی (Mergos, 2017: 89-90)؛ تقویت احساس تحول (عملکردی، فرهنگی، زیبایی‌شناختی و تاریخی)، احساس مالکیت (به مثابه احساس یک فرد ناشی از یک مکان خاص و همشهریان)، افزایش پایداری زیست محیطی، اجتماعی،

فرهنگی و اقتصادی، افزایش کیفیت زندگی، حفظ تنوع فرهنگی و کاهش اثرات جهانی شدن فرهنگی، انگیزه‌ای برای توسعه پایدار، ابزاری برای حفظ بافت کالبدی و حفظ ارزش‌های فرهنگی، انگیزه‌ای برای افزایش تنوع فرهنگی، منافع اقتصادی مختلف مانند فرصت‌های شغلی و آموزشی و رشد کسب‌وکارهای کوچک (Grazuleviciute, 2006: 74-77)؛ بستری برای شناخت محلی، رسانه‌ای برای گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، ابزاری برای بازتاب زیبایی‌شناختی، کمک به رشد هوشمند، پایدار و فراگیر، منبع حفظ محیط زیست و گسترش نوآوری، ایجاد اشتغال، افزایش درآمدهای عمومی و سرمایه‌گذاری (Mergos & Patsavos, 2017: 23&35)؛ ابزاری برای همگن کردن و عامل وحدت‌بخش جامعه، و تثبیت احساس تعلق افراد به دولت، مردم و فرهنگ (Husz, 2013: 135).

میراث فرهنگی جوهر فرهنگ هر ملت یا قوم است که موجب پیوند بین گذشتگان و آیندگان و نشان دهنده ارتباط میان نسل‌ها، هویت و تاریخ آن‌ها است. بی‌توجهی و فراموشی ناآگاهانه یا آگاهانه آن، موجب سرخوردگی و بیزاری از آن‌ها می‌شود به گونه‌ای که افراد جامعه، خود کمر همت به نابودی شان می‌بندند. تخریب میراث فرهنگی توسعه موزون و پایدار را به خطر می‌اندازد و شناخت و نگهداری از میراث فرهنگی می‌تواند حس سربلندی و توانمندسازی را بهبود بخشد و به پرورش درک، مدارا و احترام متقابل در میان جوامع مختلف، که پیش شرط توسعه پایدار و صلح آمیز است، کمک کند. امروزه میراث، در معرض تهدید جدی قرار گرفته است و عوامل داخلی مانند چگونگی برنامه‌ریزی‌های کلان، توسعه شهرنشینی، مهاجرت داخلی، "وندالیسم علیه میراث فرهنگی ملموس در نتیجه شیطنت، طمع، اعتراض سیاسی، عدم تحمل مذهبی، فقر" (Silverman & Ruggles, 2007: 15)، گسترش شیوه‌های زندگی متنوع و آزادی در انتخاب؛ و عوامل خارجی مانند گسترش رسانه‌های جمعی متنوع، ارتباطات و نیز جهانی شدن، موجب تغییر، و یا نابودی بخش گسترده‌ای از میراث فرهنگی جوامع شده است.

میراث فرهنگی همواره عامل تحکیم وحدت نیست، جدایی بخش و انحصارگرا نیز هست و آن‌گاه که به انحصارگرایی و قوم‌مداری دچار شود، صدمات ضد انسانی جبران‌ناپذیری به همراه دارد. "میراث می‌تواند به همبستگی، و یا اختلاف، خشونت و جنگ منجر شوند. میراث می‌تواند ابزاری برای ظلم باشد" (Ibid: 3). میراث فرهنگی یک جامعه بسیار متنوع، متفاوت و گاه متضاد است. این تنوع هم تهدید است و هم فرصت؛ عامل توسعه، همدلی، تضاد، چالش و تبعیض است. ابزار سیطره بر این دوگانگی، توسعه تفکر وحدت در کثرت و نیز بالندگی احساس همدلی است؛ تا ضمن تأکید بر جنبه‌های مشترک قومی، نژادی و دینی، زمینه‌های لازم برای بروز نگرش‌ها، بینش‌ها و جهان‌بینی‌های متنوع و متکثر فراهم گردد. "تنوع فرهنگی یکی از ویژگی‌های جامعه بشری است؛ دامنه‌گزینه‌ها را افزایش می‌دهد و ظرفیت‌های انسانی و ارزش‌ها را تقویت می‌کند و در نتیجه سرچشمه توسعه پایدار است؛ در چارچوب دموکراسی، مدارا، عدالت اجتماعی و احترام متقابل بین مردم و فرهنگ‌ها شکوفا می‌شود و برای صلح و امنیت در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی ضروری است؛ با جریان آزاد ایده‌ها تقویت می‌شود و با تبادل و تعامل مداوم بین فرهنگ‌ها پرورش می‌یابد" (UNESCO, 2005: 1-3). تک فرهنگی، از خودبیگانگی است اما تنوع فرهنگی، قدرت است. "با تنوع، بینش‌های مختلفی از جهان وجود خواهد داشت و هیچ‌کس نباید دیگری را تسلیم بینش خود کند. اگر بدانیم که چگونه با احترام، هماهنگی و همزیستی در صلح به تنوع دست یابیم، توسعه بهتر خواهد بود" (MacNeill, 2020: 153). تنوع فرهنگی اهرمی قدرتمند برای توسعه پایدار و صلح مبتنی بر وحدت در کثرت است. به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی موجب افزایش انسجام اجتماعی و تقویت حکومت دموکراتیک می‌شود. بدین منظور باید سیاست‌هایی که برای حفظ و ارتقای تنوع فرهنگی مفیدند تشویق شوند. ایجاد یک جامعه منسجم مستلزم تدوین و اجرای سیاست‌هایی است که توانمندسازی همه گروه‌ها و افراد و نیز مشارکت سیاسی آن‌ها را تضمین کند (UNESCO, 2009: 35). هدف از تایید تنوع فرهنگی، درک تفاوت‌های فردی، احترام متقابل و گسترش صلح است. تفاوت ممکن است نژاد، قومیت، جنسیت، وضعیت اقتصادی، توانایی‌های فیزیکی، باورهای مذهبی و سیاسی و هر ایدئولوژی دیگر باشد. مردم باید یکدیگر را درک کنند و به فرهنگ‌های مختلف احترام بگذارند. تنوع فرهنگی باید

به صلح در داخل کشور، بین مناطق و همچنین در سراسر جهان منجر شود. تنوع فرهنگی، بحران نیست، نشان دهنده تمایز، همبستگی و هویت است. چند فرهنگی یک تنوع فرهنگی است. جهان چند فرهنگی است، همه دولت‌ها چند فرهنگی هستند. از این تنوع است که بسیاری از مسائل اجتماعی قابل تحمل می‌شوند (Erbas, 2013: 187).

از منظر یونسکو، تنوع فرهنگی به همان اندازه برای بشریت مفید است که تنوع زیستی برای طبیعت. این میراث مشترک بشری باید به نفع نسل‌های حال و آینده به رسمیت شناخته و تأیید شود (ماده ۱)؛ اتخاذ سیاست‌هایی برای افزایش مشارکت شهروندان موجب صلح و انسجام اجتماعی، سرزندگی و نشاط جامعه مدنی می‌شود. تکثر فرهنگی که نمودی از تنوع فرهنگی و از ملزومات مردم سالاری است، سرچشمه تبادل فرهنگی و شکوفایی ظرفیت‌های خلاق است (ماده ۲)؛ تنوع فرهنگی، عاملی برای توسعه، و ابزاری برای دستیابی به یک زندگی رضایت بخش‌تر از لحاظ معنوی، اخلاقی، عاطفی و فکری است (ماده ۳)؛ و دفاع از تنوع فرهنگی بیانگر تعهد به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین انسان، به ویژه حقوق اقلیت‌ها است (ماده ۴) (UNESCO, 2001). تنوع فرهنگی یکی از اجزای حیاتی توسعه پایدار و زمینه‌ای برای گفت‌وگوی مستمر است. گفتگوی بین فرهنگی، رویارویی با ارزش‌ها، جهان‌بینی‌ها، دانش، باورهای مختلف، به چالش کشیدن مفروضات مردم و ایجاد امکانات برای شیوه‌های جدید و خلاقانه زندگی است. گفت‌وگوی بین فرهنگی فرصتی برای درک، احترام و ایجاد پیوند بین فرهنگ‌ها و همچنین تبادل دانش برای جستجو و ابداع روش‌های خلاقانه‌تر برای زندگی مشترک فراهم می‌کند (Tilbury & Mulà, 2009: 2). تنوع فرهنگی فرصتی برای گفتگو بین ملت‌ها است. افراد باید فرهنگ‌های مختلف را همان‌طور که هستند بپذیرند. چیزهای زیادی می‌توان از هر فرهنگ آموخت و چیزهای زیادی را می‌توان به هر فرهنگی افزود. اگر به قوت تنوع فرهنگی و مزایای آن برای صلح جهانی باور داشته باشیم، نسل‌های جدید زندگی بهتری خواهند داشت (Erbas, 2013: 192). چندفرهنگی (در مقابل ادغام فرهنگی) برای مدیریت تنوع فرهنگی در جوامع چند قومی ضروری است، و بر ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگ‌های مختلف، احترام متقابل و تحمل فرهنگی تأکید می‌کند، به ویژه آن‌هایی که در داخل مرزهای ملی با یکدیگر تعامل دارند (Jameson, 2020: 8).

حقوق فرهنگی از حقوق فردی و اجتماعی افراد و گروه‌ها محافظت می‌کند تا افراد بتوانند جهان بینی و معنای زندگی خود را از طریق ارزش‌ها، باورها، اعتقادات، زبان، دانش و هنرها، نهادها و شیوه‌های زندگی توسعه دهند و بیان کنند (Labadi et al., 2021: 121). همه اقوام، گروه‌ها، اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی حق دارند هویت فرهنگی خود را تعریف کنند و به شیوه خود زندگی کنند و نمی‌توان آن‌ها را از حقوق فرهنگی خود محروم کرد. "دولت یک نسخه رسمی میراث را به مثابه استراتژی ملت سازی برای دستیابی به ثبات سیاسی، انسجام اجتماعی و وحدت ملی، به همراه طرد دیدگاه‌های فرهنگ‌های بومی و محلی و گروه‌های اقلیت، ترویج می‌کند و آن‌ها را مجبور به پذیرش فرهنگ غالب می‌کند، که این امر منجر به نابودی هویت فرهنگی بومی و اقلیت‌ها می‌شود. اصرار بر وحدت در میراث فرهنگی می‌تواند منجر به جنگ، و حتی پاکسازی قومی و نسل کشی شود" (Logan, 2012: 5). در حالی که "افراد حق مراقبت، بهره‌مندی، نگهداری، تبادل و توسعه میراث فرهنگی خود را بدون محدودیت‌های سیاسی، مذهبی، اقتصادی یا فیزیکی دارند" (Logan, 2014: 161). مردم حق برخورداری از کرامت و تنوع فرهنگ‌ها، تاریخ و آرزوهای خود را دارند. مردم حق دارند که به سنت‌ها و آداب و رسوم فرهنگی خود عمل کرده و آن‌ها را احیا کنند. همه افراد یک جامعه با فرهنگ‌های متفاوت، حق دارند که تحت جذب اجباری یا تخریب فرهنگ خود قرار نگیرند (Lai, 2014: 291-292). "احترام به تنوع فرهنگ‌ها، تساهل، گفتگو و همکاری، در فضای اعتماد و درک متقابل از بهترین تضمین‌های صلح و امنیت بین‌المللی است" (Vries, 2020: 10). تنوع فرهنگی، به مردم و جوامع کمک می‌کند تا با هم صلح و شادی زندگی کنند. مردم از طریق این گفتگوها و تعاملات، فرهنگ‌های دیگران را یاد می‌گیرند. افزایش تعامل بین فرهنگ‌های متفاوت، موجب نوآوری‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود که رونق و کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد. مردم بین فرهنگی تر از آن چیزی هستند که تصور می‌شود (Erbas, 2013: 188).

اهداف این پژوهش عبارتند از: بررسی و شناخت مفهوم میراث فرهنگی، انواع و مصادیق آن؛ ارزیابی برنامه ششم توسعه و بررسی و تحلیل جایگاه میراث فرهنگی ملموس و ناملموس در این برنامه؛ بررسی پیامدهای آن و ارائه راهکارها.

### مروری بر ادبیات پژوهش

در مورد جایگاه میراث فرهنگی در برنامه‌های توسعه پژوهشی انجام نگرفته است اما در مورد فرهنگ و میراث فرهنگی و رابطه آن با گردشگری، اقتصاد، توسعه و سیاست پژوهش‌هایی انجام گرفته که به برخی از آن‌ها به اختصار اشاره می‌شود؛

ریورا در بررسی رابطه بین توسعه انسانی، رشد اقتصادی و گردشگری می‌گوید که افزایش ۱۰ درصدی گردشگری بین‌المللی در آمریکای لاتین موجب افزایش ۴۰ درصدی تولید ناخالص داخلی شده است. دولت‌ها می‌توانند با مدیریت گردشگری همراه با حکمرانی خوب، در مسیر توسعه پایدار گام بردارند. البته حمایت از گردشگری همواره موجب توسعه نمی‌شود (Rivera, 2017: 222). طبق گزارش شورای جهانی سفر و گردشگری (WTTC)، صنعت گردشگری تأثیر چشمگیری بر اقتصاد جهان داشته است. این صنعت ۲۹۲ میلیون شغل ایجاد کرده و تولید ناخالص داخلی جهانی را در سال ۲۰۱۶ ده درصد افزایش داده است. پیش‌بینی می‌شود صنعت گردشگری تا سال ۲۰۲۷، ۳۸۰ میلیون شغل (۱۱ درصد مشاغل جهان) ایجاد کند. البته توسعه گردشگری در رشد اقتصادی همه کشورها موثر نیست و گاهی هزینه‌های نامطلوب اکولوژیکی، اقتصادی و محیطی را به کشور تحمیل می‌کند. کشورهایی مانند کلمبیا، آفریقای جنوبی، تایلند و ترکیه معمولاً با این نوع هزینه‌ها مواجه هستند که می‌تواند تأثیر مثبت گردشگری بر رشد اقتصادی را از بین ببرد (Sokhanvar et al., 2018: 104). گردشگری بین‌المللی علاوه بر ثروت آفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال، در ساختن هویت ملی و به ویژه چگونگی فهم یک کشور از سوی دیگران نقش به‌سزایی دارد (Hampton, 2005: 732). توانایی گردشگری در پیشبرد رشد اقتصادی، موجب شد تا هند به اصلاح سیاست ویزای توریستی، توسعه زیرساخت‌ها و معرفی هند به عنوان بهشت ماه عسل روی آورد (Ohlan, 2017: 9) و آلبانی بناهای میراث جهانی و سایر ویژگی‌های میراث خود را از جمله غذاهای محلی، رقص و حتی عصر کمونیزم خود ارتقاء بخشد (Seidl, 2014: 165).

توسعه فرهنگی در ایران با موانع متعددی همچون آسیب‌های هویتی و فرهنگی، فقدان روحیه فردگرایی، در معنای اصالت فردیت، فقدان شرایط تکثر فکری و فرهنگی و ضعف سرمایه فکری و فرهنگی مواجه است (بابایی فرد، ۱۳۸۹: ۷). برنامه‌های فرهنگی و برنامه‌های توسعه پایدار در نواحی روستایی انطباقی با الگوی توسعه نداشته و از آن جایی که برنامه‌های توسعه از دستیابی به اهداف در همه زمینه‌ها دور مانده‌اند، بیشترین آثار منفی خود را بر اجتماعات روستایی از بعد فرهنگی بر جای نهاده‌اند (نقوی، ۱۳۹۱: ۹۳). متخصصان ایران موافق با رهیافت اقتصادی کردن میراث فرهنگی بوده و میراث فرهنگی را یکی از مولفه‌های توسعه اقتصادی و کارآفرینی می‌دانند (افخمی، ۱۳۹۵: ۲۷). از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۹۱ اقداماتی چون افزایش ثبت میراث در فهرست میراث جهانی، توجه بیشتر به جنبه اقتصادی میراث، تأکید بر مدیریت سیاسی سازمان میراث فرهنگی، پروژه احیای بافت قدیم، تداوم توجه به مرمت ابنیه، انجام حفاری‌های باستان‌شناسی، نگهداری از شهرها، روستاها، بناها و محوطه‌های تاریخی، افزایش میزان توجه به گردشگری فرهنگی در حوزه میراث فرهنگی انجام گرفته است (فدایی نژاد، ۱۳۹۳: ۲۱). رئیسی‌فر بر نقش اساسی میراث فرهنگی در شکل‌گیری اقتصاد خلاق پرداخته است (رئیسی‌فر، ۱۳۹۷). شایانی‌فر می‌نویسد: "هماهنگی میان آمایش سرزمین و میراث ایرانیان یا بافت‌های تاریخی و فرهنگی موجب رشد متوازن در ابعاد اقتصادی و اجتماعی می‌شود" (شایانی‌فر، ۱۳۹۷: ۲۱). سلیمی گزارش می‌دهد که شناخت ویژگی‌های فرهنگی و بومی و هویت قومی در مناطق مختلف می‌تواند در برنامه ریزی‌های توسعه به کار آید (سلیمی، ۱۳۹۷: ۴۷).

برخی از پژوهش‌ها به تأثیر سیاست و قدرت بر میراث پرداخته‌اند: سیاسی‌سازی میراث فرهنگی در میانمار به منظور همسان‌سازی یا ادغام فرهنگ‌های متنوع قومی و مذهبی به یک هویت واحد ملی، ارزش‌های فرهنگی مرتبط با سلطنت و بودیسم را

ترویج کرده تا به اقتدار سیاسی خود مشروعیت بخشد. آن‌ها میراث فرهنگی سایر اقلیت‌های قومی و مذهبی را نادیده گرفته اند در حالی که می‌توانند با تاکید بر حقوق بشر در سیاست میراث، تایید چند فرهنگی و تعریف میراث ملی به شیوه‌ای فراگیر، به کاهش درگیری‌های بین قومی و افزایش انسجام کمک کنند (Logan, 2012: 8). همسان سازی، به مثابه استراتژی عمدی سرکوب است که موجب از بین رفتن هویت فرهنگی برای گروه‌های اقلیت در میانمار شده است (Ruggles & Silverman, 2009: 10). هدف شاه ایران از برپایی جشن‌های دوهزار و پانصد ساله و تاکید وافر بر تخت جمشید، مشروعیت بخشیدن به ایده ملت ایران و نشان دادن مجدد آن در صحنه جهانی و به حاشیه بردن جنبش اسلام‌گرایی بود و تخریب بلندترین مجسمه بودا در جهان توسط طالبان در سال ۲۰۰۱ شکلی افراطی از شمایل‌شکنی اسلامی و یک جنگ حساب شده با یک گفتمان فرهنگی خاص بود که با هدف تثبیت اسلام و به حاشیه راندن بوداییان طراحی شده بود (Silverman & Ruggles. 2007: 11-13). هرچند آمریکا ارزش‌های فرهنگی و اقتصادی میراث بومی را به رسمیت شناخت، اما تا حد زیادی بر مدیریت و استفاده از میراث ملموس جوامع سفید آمریکا متمرکز شده و میراث، تاریخ شفاهی و شیوه‌های فرهنگی سرخ پوستان آمریکایی را نادیده گرفته است (Cho, 2008: 202).

این پژوهش‌ها را می‌توان در دو دسته قرار داد: ۱) رابطه میراث فرهنگی و رشد اقتصادی از طریق گسترش گردشگری، ۲) سیاسی سازی میراث فرهنگی، به منظور همسان سازی یا جذب فرهنگ‌های متنوع. البته غالب پژوهش‌ها به جنبه مادی و سودآوری میراث فرهنگی پرداخته و بخش ناملموس آن مسکوت مانده است. در این پژوهش سعی می‌شود به جایگاه میراث فرهنگی ملموس و به ویژه ناملموس در برنامه ششم توسعه پرداخته شود.

## چارچوب نظری

با گسترش فرهنگ پسمادرن، به ویژه از دهه ۸۰، پارادایم‌ها و گفتمان‌های جدید توسعه پدیدار شدند که بسیاری از اصول نوسازی و وابستگی را رها کرده اند. توسعه کشورها بر مبنای نوسازی و وابستگی، به ویژه در زمینه زیست‌محیطی، فرهنگی و عدالت اجتماعی صدمات جبران ناپذیری به بار آورده است. با ظهور دیدگاه‌های جدید، مبنای برنامه ریزی توسعه‌ای کشورها تغییر کرده است. بر این اساس، راه سوم، یعنی نگاه بیرون همراه با نگاه درونی، متنوع، ملی و محلی، می‌تواند بهترین گزینه باشد. توسعه‌ای مناسب و پایدار است که در آن، پیشرفت با محیط و فرهنگ ملی، بومی و محلی سازگار باشد. برنامه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب از یک رویکرد خاص بهره نمی‌برند. برنامه ششم توسعه نیز از همین قاعده پیروی می‌کند و معجونی از پارادایم‌های نوسازی، وابستگی، ضد توسعه و نئولیبرالیسم، با عنوان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و با شعار اقتصاد مقاومتی است. چارچوب تحلیل، با تاکید بر پارادایم پساتوسعه، توسعه پایدار و مردمی است.

رویکرد توسعه مردمی و پایدار با محوریت مردم و سازمان‌های غیر دولتی، توسعه را از پایین به بالا و از درون جامعه به پیش می‌برد. مبنای اصلی توسعه مردمی عبارتند از: نیازهای اساسی که بر مبنای نیاز مردم انتخاب شده، تمرکز زدایی که بر اساس گفتمان مردمی و مدل توسعه بومی و انتقال وظایف از دولت به مردم بیان شده، تاکید و اهمیت نقش سازمان‌های غیر دولتی، مشارکت و توانمند سازی مردمی و اهمیت نقش جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی (احمدی، ۱۳۹۳: ۵۲). برنامه‌های توسعه پایدار و مردمی، بر اساس ریشه‌های فرهنگی هر منطقه سامان می‌یابد و بر نسل آینده، محیط زیست، میراث فرهنگی، فرهنگ و دانش بومی و محلی، عدالت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، برآوردن نیازها، توسعه انسانی، آزادی، استفاده درست از منابع، پیشرفت تکنولوژی در چارچوب فرهنگ ملی و محلی تاکید می‌کند. تاکید این مقوله‌ها در برنامه توسعه‌ای یک کشور، نشانگر میزان کارآمدی، فایده مندی، عدالت محوری و اثربخشی آن برنامه می‌باشد. "توسعه پایدار کلی نگر است و ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و همه نیازهای بشری را شامل می‌شود" (عنبری، ۱۳۹۵: ۳۳۱). توسعه پایدار بر آمیزش توسعه و محیط زیست تاکید دارد و محیط زیست

تنها محیط طبیعی فیزیکی را شامل نمی‌شود بلکه شامل آثار و میراث فرهنگی و محلی نیز می‌شود. توسعه پایدار بر حفظ، ترمیم و تغییر پایدار همه منابع طبیعی و غیر طبیعی تاکید دارد. "توسعه بوم آورد، بر استقلال ساکنان محلی در تصمیم‌گیری برای زمینه‌های تاریخی و فرهنگی و نیز بر سبک و آیین‌های زندگی تاکید می‌کند" (همان: ۳۱۸). انعطاف‌پذیری و پذیرش تنوع و تفاوت فرهنگی از ویژگی‌های آن است. "ایجاد سرمایه اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی هسته اصلی توسعه پایدار بومی است. توسعه پایدار بومی باید توسط دست‌اندرکاران توسعه مورد استفاده قرار گیرد" (MacNeill, 2020: 245). توسعه پایدار محلی و گردشگری باید: (الف) به استفاده بهینه از منابع زیست‌محیطی، میراث طبیعی و تنوع زیستی تاکید کند. (ب) به اصالت فرهنگی جامعه احترام بگذارد، میراث فرهنگی و ارزش‌های سنتی را حفظ و به درک و مدارای بین فرهنگی کمک کند. (ج) به رشد اقتصادی پایدار و بلندمدت، اشتغال و درآمد تاکید کند. (د) بر برابری و انسجام اجتماعی تاکید کند تا مزایای اجتماعی-اقتصادی، مانند فرصت‌های شغلی و درآمدی، خدمات اجتماعی، و کمک به کاهش فقر، برای همه ذینفعان به طور عادلانه توزیع شود. توسعه پایدار محلی مستلزم مشارکت آگاهانه و گسترده همه ذینفعان، ایجاد اجماع و سطح بالایی از رضایت افراد است (Mergos, 2017: 85-86).

الگوی توسعه بومی یا درون‌زا، نه به توسعه اشیاء، بلکه بر توسعه انسان و نیز بر نظریات، روش‌ها و دانش محلی، ویژگی‌های هر ملت، تفاوت و تنوع فرهنگی، نظام‌های ارزشی جوامع و استقلال در توانایی تصمیم‌گیری جوامع محلی در فرآیند توسعه تاکید می‌کند (موثقی، ۱۳۸۳: ۲۳۹). پساتوسعه‌گراها، خواستار تنوع بخشیدن به چشم‌انداز و اولویت‌های فرهنگی هستند (احمدی، ۱۳۹۳: ۵۰). اسکوبار توسعه را یک امر محلی و مکان‌محور می‌داند. از نظر او نظریه وابستگی جای خود را به روش قوم‌نگاری‌های توسعه و نظریه فرهنگ‌های مختلط مادی می‌دهد که هدف آن تقویت نظام‌های محلی است (علوی، ۱۳۹۳: ۱۸۴). او محور توسعه را فرهنگ، دانش بومی، انسانیت و مشارکت مردم می‌داند (ضیایی، ۱۳۹۵: ۹). رویکرد پساتوسعه تلاش می‌کند تا بر یکسان‌سازی و همگون‌سازی فرایند توسعه و نابرابری ساختاری گفتمان توسعه‌نخبه‌گرایانه غلبه کند. آن‌ها با طرح اندیشه توسعه انسانی، بعد فرهنگی توسعه را برجسته ساخته و بر همسان‌پنداری فرهنگی به جای همسان‌سازی فرهنگی تاکید می‌کنند. "مبانی، ویژگی‌ها و شاخص‌های پساتوسعه عبارتند از: توسعه مردمی و محلی‌گرایی به جای تمرکزگرایی جهت‌توانمندسازی همه مردم؛ ضدیت با مدیریت‌گرایی، استبداد و همسان‌سازی؛ توسعه متفاوت و متنوع؛ انسان‌محوری؛ زیست‌محیط‌محوری و پایداری؛ بوم‌شناسی عمیق؛ اتکا به دانش مردمی و محلی به همراه دانش علمی و رسمی؛ جنبش‌های اجتماعی و بسیج مردمی؛ استقلال مردمی و محلی و مردمان بومی؛ حاشیه‌نشینان؛ اقلیت‌های قومی؛ سنن محلی؛ امر محلی و تفاوت فرهنگی" (مومنی، ۱۳۹۸: ۹۵). "واحد توسعه تنها ملت نیست بلکه چند سطحی، چند بخشی و چند بعدی است و به توسعه اجتماعات، توسعه محلی و مناطق کوچک نظر دارد" (پیترز، ۱۳۹۴: ۴۷). با گسترش اقتصاد پساتوسعه‌ای، توسعه فرهنگی با توسعه اجتماعی، انسانی و اقتصادی همراه شده و در برنامه‌ریزی‌ها نقش محوری یافته است. در این رویکرد، توسعه بدون در نظر گرفتن داشته‌های فرهنگی بومی و محلی، به شکست می‌انجامد. "برای دستیابی به الگوی توسعه‌ای در ایران باید از ایده آل‌گرایی اجتناب کرد و به سرمایه‌ها و داشته‌های موجود و شیوه‌های زیست‌ایرانی تأکید داشت. اجتناب از ایده آل‌گرایی و تأکید بر زیست‌ایرانی، زمینه ورود به تجربه توسعه در ایران را فراهم می‌سازد" (آزادارمکی، ۱۳۸۹: ۷۶).

از اواخر دهه ۱۹۹۰، توسعه پایدار بر فرهنگ به مثابه یکی از اجزای اساسی توسعه و نگهداری و ارتقای میراث فرهنگی ملموس و ناملموس تاکید دارد (Blake, 2017: 45). رویکرد توسعه پایدار، مردم‌محور، فراگیر، آینده‌نگر، یکپارچه، پایدار، مروج مدل‌های نوآورانه حاکمیت‌مشارکتی و مدیریت میراث فرهنگی است (Baltà, 2018: 2). برنامه‌های توسعه یونسکو، بر توسعه انسانی، فقرزدایی و رفع محرومیت‌ها، کاهش نابرابری در درون و میان کشورها؛ مقابله با تغییرات اقلیمی، دستیابی به توسعه پایدار؛ تامین صلح و امنیت؛ بهبود حکمرانی و توانایی‌های دولت؛ احترام به حقوق بشر و تنوع فرهنگی و زیستی تاکید دارند و هدف اصلی آن توسعه مردم‌محور و پایدار است (UNESCO, 2012: 8). توسعه پایدار شامل جنبه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی،



اجتماعی و فرهنگی است و بر اصول یکپارچگی اکوسیستم، بهره‌وری اقتصادی، عدالت اجتماعی و بین‌نسلی و تنوع فرهنگی استوار است (Grazuleviciute, 2006: 75). از منظر یونسکو (۱۹۹۸)، توسعه پایدار بر اصولی چون؛ وابستگی متقابل توسعه و فرهنگ، مشارکت در زندگی فرهنگی، گفتگوی بین فرهنگی، خلاقیت فرهنگی، تنوع فرهنگی و کثرت‌گرایی فرهنگی استوار است. نشاط فرهنگی به اندازه عدالت اجتماعی، مسئولیت زیست محیطی و زندگی اقتصادی برای یک جامعه سالم و پایدار ضروری است. چارچوب توسعه پایدار مبتنی بر چهار رکن است: (۱) پایداری اقتصادی (رفاه مادی از طریق رشد اقتصادی پایدار)؛ (۲) پایداری اجتماعی: عدالت (رفاه اجتماعی با همبستگی اجتماعی)؛ (۳) پایداری زیست محیطی (بهبودی زیست محیطی از طریق هماهنگ‌سازی طبیعی)؛ و (۴) پایداری فرهنگی (بهبودی فرهنگی از طریق گفتگوی میان فرهنگی) (Bervar & Trnavcevic, 2009: 197-198). صلح و امنیت انسانی، حقوق بشر، تصمیم‌گیری مشارکتی، برابری جنسیتی و تنوع فرهنگی هسته اصلی برنامه توسعه پایدار هستند (Tilbury & Mulà, 2009: 6). توسعه پایدار، بر حفظ سنت‌ها، تمایز فرهنگ‌ها، اجتناب از تک فرهنگی، ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع دارای تکثر فرهنگی، و تصدیق اصل یادگیری برای زندگی با یکدیگر، برای آینده‌ای مثبت‌تر و پایدارتر تاکید می‌کند (Ibid: 2). دستور کار ۲۰۳۰ آرمان‌های توسعه پایدار را احترام جهانی به حقوق و کرامت انسانی، حاکمیت قانون، عدالت، برابری و عدم تبعیض تعیین کرده است. دولت باید به نژاد، قومیت و تنوع احترام قائل شود؛ فرصت‌های برابر برای همه مهیا کند تا امکان تحقق کامل ظرفیت‌های انسانی و کمک به رفاه فراهم شود؛ درک بین فرهنگی، احترام متقابل و اخلاق شهروندی جهانی و مسئولیت مشترک را تقویت کند؛ تنوع طبیعی و فرهنگی جهان را تایید کند و بپذیرد که همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها می‌توانند به توسعه پایدار کمک کنند و توانمندسازهای حیاتی آن هستند (Vries, 2020: 11).

شناخت و نگهداری میراث فرهنگی اساس توسعه پایدار است. "میراث ابزاری برای حفظ ارزش‌های فرهنگی، انگیزه‌ای برای آموزش تنوع فرهنگی و توسعه اقتصادی پایدار است" (Grazuleviciute, 2006: 78). یونسکو (۲۰۰۳) بر نقش حیاتی میراث ناملموس و میراث محلی به عنوان اصلی از تنوع فرهنگی و تضمین توسعه پایدار تاکید کرده است و اهداف "ن تلاش برای نگهداری از میراث فرهنگی و طبیعی جهان، ترویج دانش و مهارت‌ها و تایید تنوع فرهنگی، ترویج گردشگری پایدار و فرهنگ محلی" را مشخص کرده است (Petti et al., 2020: 5). یونسکو چشم‌اندازی برای پس از ۲۰۱۵ ترسیم کرده است که بر ارزش‌ها و اصول حقوق بشر، برابری و پایداری، و نیز چهار بعد کلیدی توسعه اجتماعی و اقتصادی فراگیر، پایداری محیط زیست، و صلح و امنیت استوار است (UN, 2012: 3).

## روش‌شناسی

روش مطالعه با توجه به موضوع مورد بررسی؛ توصیفی-تحلیلی است که گردآوری اطلاعات مورد نیاز به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. برای کشف و دستیابی به داده‌های مهم موجود در اسناد، تفسیر متن، تاویل داده‌ها و روشن نمودن موارد مغفول می‌توان از روش اسنادی استفاده کرد. این روش مهم‌ترین تکنیک بازخوانی متون و مطالعه منابع می‌باشد. داده‌های پژوهشی درباره موضوع و اسناد جمع‌آوری شده است. با استفاده از اسنادی به کشف، از بین منابع، مطالب مرتبط با موضوع پژوهش اقدام شده است و با رجوع به اسناد مرتبط تحلیل اجتماعی انجام استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی شده است. اساس روش اسنادی، مطالعه و بررسی منسجم منابع و اسناد مربوطه است. در این پژوهش بر اساس اطلاعات کیفی به جای داده‌های آماری، با تکنیک تحلیل متن، تصویری از میراث فرهنگی در برنامه ششم توسعه ارائه شد.

جستجوی جامع و اینترنتی هدفمند کتب، مقالات، گزارش‌ها و پژوهش‌های داخلی و خارجی برای دستیابی به پایگاه‌های داده‌های ثانویه با کمک کلمات کلیدی چون میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، میراث بومی، پساتوسعه، توسعه پایدار، توسعه بومی، الگوی-اسلامی ایرانی پیشرفت انجام گرفت و موارد قابل توجه مربوط به مفهوم سازی میراث فرهنگی ردیابی و بایگانی

شد. بعد از انتخاب موضوع، تعیین اهداف و سؤالات، واژگان کلیدی برای جستجوی اینترنتی منابع انتخاب شدند، سپس، نه ضرورتاً به ترتیب، فیش برداری، مرور نظام مند، طبقه‌بندی، تقلیل داده‌ها (ویرایش اطلاعات متون فاقد ساختار)، تجزیه و خلاصه کردن، نگارش و گزارش پژوهش انجام شده است. تفسیر نظری، پردازش

مهم‌ترین منبع گردآوری اطلاعات، سند برنامه ششم توسعه است که محور توصیف و تحلیل می‌باشد. البته برای فهم دقیق‌تر و کامل‌تر آن، برنامه‌های اول تا پنجم توسعه نیز مورد مطالعه قرار گرفتند و چندان تفاوت قابل توجهی در عملکرد آن‌ها نسبت به میراث فرهنگی دیده نمی‌شود. براین اساس از برنامه ششم توسعه به عنوان سند و منبع اطلاعات اصلی برای این پژوهش استفاده شده است. البته علاوه بر آن، از اسنادی مانند؛ سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله ششم توسعه، اسناد یونسکو در مورد میراث فرهنگی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، دستور کار توسعه سازمان ملل، کنوانسیون‌های صیانت از انواع میراث، و نیز از کتب و مقالات معتبر استفاده شده است.

در این پژوهش سعی شده است به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: (۱) میراث فرهنگی، انواع و مصادیق آن کدامند؟ (۲) تا چه میزان در برنامه ششم توسعه به نقش و جایگاه میراث فرهنگی (ملموس و ناملموس) توجه شده است؟ (۳) آیا برنامه ششم توسعه در راستای شناسایی، حفظ و ترویج میراث فرهنگی (ملموس و ناملموس)، و نیز عدالت فرهنگی تدوین شده است؟ (۴) چه راهکارهایی برای تدوین برنامه‌های توسعه آتی در قبال میراث فرهنگی پیشنهاد می‌شود؟

### یافته‌های پژوهش و تحلیل آن‌ها

کلیت، اصول، اولویت‌ها، مسیر و اهداف برنامه ششم توسعه بر پایه سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله ششم شکل گرفته است؛ بندهای ۶۸ تا ۷۳ که تحت عنوان امور فرهنگی تنظیم شده است بر تبیین ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی، پایبندی به نقشه مهندسی فرهنگی کشور، حمایت مادی و معنوی از پژوهشگران و تولیدکنندگان آثار فرهنگی هنری مبتنی بر فرهنگ اسلامی ایرانی و توسعه هویت فرهنگ اسلامی ایرانی تاکید دارند. برنامه ششم توسعه بر اساس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تنظیم شده است. "این سند هیچ‌انگاری به وضع موجود ایران ندارد، تدابیر آن صرفاً کلی‌گویی‌هایی مبتنی بر شعور عام است. این سند گویا برای جهانی خیالی است؛ زیرا متناسب با واقعیات جامعه ایران نیست. روشن، واقع‌بینانه، کارگشا و امیدبخش نیست" (زاهدی‌مازندرانی، ۱۳۹۸: ۵). چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بر اساس جهان‌بینی و اصول اسلامی، ارزش‌های انقلاب اسلامی و میراث فرهنگی دینی ترسیم شده است. سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مقتضیات اجتماعی، اقلیمی و میراث فرهنگی ایران را صرفاً از منظر اسلامیت معنی می‌کند.

اهداف کلی قانون برنامه ششم توسعه کشور در مورد میراث فرهنگی عبارتند از: "نگهداری و صیانت از میراث طبیعی و فرهنگی ملموس و ناملموس"، "حفظ و ارتقای صنایع دستی کشور"، "افزایش سهم گردشگری در تولید ناخالص داخلی، درآمدهای ارزی کشور، ایجاد اشتغال و تقویت تعاملات بین‌المللی و دیپلماسی فرهنگی"، "استفاده از ظرفیت گردشگری داخلی در تقویت و تحکیم همبستگی و انسجام ملی" (خلاصه گزارش عملکرد قانون برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۷: ۲).

دین، مصادیق و نمادهای آن، به عنوان بخشی از میراث فرهنگی به شمار می‌آیند در حالی که بسیاری از مصادیق میراث خارج از دایره دین قرار می‌گیرند، اما برنامه ششم توسعه در سیاست‌گذاری فرهنگی خود برای دستیابی به اهداف توسعه فرهنگی، برخلاف ویژگی همه‌جانبه‌نگری توسعه پایدار و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های فرهنگی، تنها بر شناسایی، ترویج، تزریق و تحمیل میراث دینی تاکید داشته است: بر اساس ماده ۸۶، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و سایر نهادهای فرهنگی مکلفند فرهنگ ایثار و شهادت، چهره‌ها و ارزش‌های دفاع مقدس، و فرهنگ دینی و انقلابی را از طریق

آموزش، نمایش، فیلم و هنر، یادواره‌ها و برگزاری اردوهای راهیان نور و غیره تبلیغ و ترویج کنند. ماده ۹۲، سیاست‌ها و اهداف فرهنگی دولت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما و سایر دستگاه‌های ذیربط را ارتقاء، مقاوم سازی و بسترسازی فرهنگی و اجرای نقشه مهندسی فرهنگی مبنی بر تحقق توسعه متناسب با مقتضیات فرهنگی و متکی بر حفظ و ارتقای ارزش‌های اسلامی، انقلابی و ملی و مردم سالاری دینی، اصول و فضائل اخلاقی و کرامت و حقوق انسانی، هویت و انسجام ملی و حمایت از تولیدات و محصولات فرهنگی، مذهبی و هنری فاخر، صنایع دستی و میراث فرهنگی ملموس و ناملموس و نیز ارتقای جایگاه و منزلت سرمایه انسانی در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی و اصحاب فرهنگ، نخبگان فرهنگ و هنر کشور و "نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی" و احیای موقوفات و پاسداشت منزلت امامزادگان و تقویت و توسعه نهادهای فرهنگی مذهبی تعیین کرده است که مملو از کلی گویی، ابهام در تعاریف مفاهیم مانند هویت و ارزش‌های ملی، محصولات فرهنگی فاخر، مقتضیات فرهنگی، مردم سالاری دینی، و با محوریت و اصالت فرهنگ صرفا دینی است، در حالی که نقش و جایگاه مصادیق فرهنگی غیر دینی کاملا مبهم است و به نوعی مورد بی مهری قرار می‌گیرند. بر اساس ماده ۹۵؛ به منظور توسعه فضاهای مذهبی فرهنگی و بهره‌گیری بهینه از اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، همه مکان‌های عمومی (دولتی و خصوصی) موظفند فضاهایی را برای مسجد یا نمازخانه اختصاص دهند. مکلف کردن اماکن عمومی خصوصی به احداث مسجد یا نمازخانه نشان می‌دهد که ترویج فرهنگ دینی از مرحله تبلیغ و انتخاب آزادانه، به انتخاب تحمیلی گام بر داشته است.

ماده ۹۷- دولت مکلف است به منظور تعمیق ارزش‌ها، باورها و فرهنگ مبتنی بر هویت اسلامی و ترویج سیره و سنت اهل بیت (ع) و استفاده بهینه از ظرفیت معنوی اماکن زیارتی در شهرهای مقدس مشهد، قم و شیراز و برگزاری و تمهید امکانات لازم برای مراسم سالانه پیاده روی اربعین، نسبت به انجام امور ذیل اقدام نماید: الف- شناسایی دقیق نیازها و مشکلات زائران، برنامه ریزی و تدوین سازوکارهای لازم جهت ساماندهی امور زائران. ب- توسعه امکانات، فعالیت‌های فرهنگی و خدمات زیارتی در قطب‌های زیارتی و گردشگری مذهبی و فراهم نمودن زمینه زیارت و اجرای طرح‌های زیربنایی مورد نیاز در قالب بودجه‌های سنواتی. همه تلاش‌ها و هزینه‌ها برای ترویج، گسترش و تسهیل زیارت اماکن مقدس در برنامه ششم پیش بینی و برآورد شده است. البته در ماده ۱۰۰، به اختصاص پارانه و تسهیلات مالی در چهارچوب بودجه سنواتی و معافیت‌های مالیاتی و عوارضی به تأسیسات ایرانگردی و جهانگردی، و نیز ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز مناطق گردشگری از قبیل راه، خدمات رفاهی و اقامتی، استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در سرمایه گذاری، واگذاری تسهیلات ارزان قیمت و سایر اقدامات حمایتی در قالب بودجه سنواتی تاکید شده است. به دلایل زیادی چون فشار افکار عمومی ملی و بین المللی و توجیه اقتصادی، در این برنامه کم و بیش به میراث ملموس توجه شده است. اما تفاوت فاحشی میان جایگاه ارزش‌ها و آثار فرهنگ دینی و غیر دینی در برنامه توسعه وجود دارد.

نکاتی از میراث فرهنگی و گردشگری که در برنامه ششم توسعه برجسته و مورد تاکید بوده اند از این قرارند: (۱) بر اساس بند الف شماره ۱ ماده ۹۸، همه دستگاه‌های اجرایی موظفند هزینه مرمت آثار ثبتی تحت اختیار را از محل اعتبارات خود و در چهارچوب ضوابط قانونی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تامین کنند، که این امر موجب تعیین و روشن کردن وظایف دستگاه‌های اجرایی در رابطه با گردشگری و میراث فرهنگی و نیز حل اختلاف‌ها در مورد هزینه‌های بناهای تاریخی تحت تملک دستگاه‌ها می‌شود. (۲) بر اساس بند الف شماره ۲ ماده ۹۸؛ تأسیسات گردشگری از هر نظر تابع قوانین و مقررات بخش صنعت گردشگری به استثنای معافیت‌های مالیاتی بوده و از شمول قانون نظام صنفی مستثنی می‌باشد بنابراین، صدور مجوزها و پروانه‌های بهره برداری و نظارت بر عهده سازمان میراث فرهنگی و گردشگری خواهد بود، بر این اساس وضعیت کسب و کارهای گردشگری مشخص و روشن می‌شود. (۳) ماده ۹۹، که بنیاد مسکن با همکاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری موظف است حداقل سیصد روستای دارای بافت با ارزش تاریخی و فرهنگی و روستاهای هدف گردشگری را بهسازی و احیا نماید

و بند ج از ماده ۱۰۰ که بر گازرسانی روستاهای هدف گردشگری تاکید دارد و نیز بند الف شماره ۲ و ۳ از ماده ۱۰۰ که بر ارائه خدمات و تسهیلاتی برای مناطق گردشگری و اماکن تاریخی تاکید دارند، احیای روستاها و اماکن دارای بافت تاریخی را به دنبال خواهند داشت. (۴) در بند ت از ماده ۱۰۰ آمده است؛ سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مکلف است کل درآمد اختصاصی و کمک‌های مردمی از اماکن و محوطه‌های تاریخی و موزه‌ها را به حسابی که نزد خزانه افتتاح می‌گردد، واریز نماید. صد درصد وجوه حاصله و همچنین سهم کمک‌های دولتی در قالب بودجه سنواتی در اختیار سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری قرار می‌گیرد تا برای اداره، توسعه و مرمت این اماکن اختصاص یابد، بر این اساس وضعیت درآمد موزه‌ها و آثار تاریخی مشخص شده است. (۵) در بند ت از ماده ۱۰۰ که آمده است؛ سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری می‌تواند بخشی از امور تصدی‌گری و اجرائی خود را به تشکل‌های حرفه‌ای و تخصصی گردشگری که طبق قانون تشکیل شده‌اند، واگذار کند، بر واگذاری بخشی از امور اجرایی میراث فرهنگی و گردشگری به بخش خصوصی تاکید دارد.

در ماده ۹۸، ۹۹ و ۱۰۰ بر مرمت و حفظ برخی از آثار تاریخی و نیز بر استفاده از بخش خصوصی و واگذاری آن‌ها تاکید شده است. ماده ۹۸ اشاره می‌کند؛ "سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری موظف است به منظور حفظ و صیانت از میراث فرهنگی اقدام لازم را با همکاری و هماهنگی سایر دستگاه‌های اجرائی ذیربط به منظور شناسایی، مستندسازی، نگهداری، مرمت و معرفی میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، میراث طبیعی، ایجاد شهرهای جهانی صنایع دستی و احیای هنرهای سنتی در حال زوال در حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی و ثبت در فهرست میراث جهانی را طبق بودجه سنواتی به عمل آورد"، که به همه جنبه‌ها و مصادیق میراث فرهنگی و بومی، بدون برجسته کردن مصداق خاص، تاکید دارد اما کلی‌گویی و ابهام و عدم تفکیک وظایف سازمان‌ها در زمینه شناسایی، نگهداری، مرمت و معرفی میراث منقول و غیر منقول، و میراث طبیعی و عدم تفکیک میراث فرهنگی مادی از غیر مادی، و ملی از منطقه‌ای یا محلی، و عدم شفافیت، نشانگر میزان اهمیت آن نزد تدوین‌گران برنامه است. خصوصاً در بخش میراث فرهنگی ناملموس، هیچ برنامه مدون، دقیق و قابل اجرا برای یک دستگاه خاص، تعریف نشده است.

برنامه ششم نسبت به میراث، رویکردی اقتصاد محور دارد. با نگرش سودجویانه، مصرفی و اقتصادی صرف به میراث فرهنگی، بخش عظیمی از آثار غیرمادی ملی، بومی و محلی جایگاه مناسبی در برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای کلان نخواهند یافت. "کالایی شدن میراث و گردشگری احترام به سنت را کاهش می‌دهد و بر انتقال میراث تاثیر منفی می‌گذارد. در حالی که اصالت و پایداری مسائل کلیدی نگهداری از میراث بومی هستند، سازگار کردن آن با منافع اقتصادی چالش برانگیز است" (Cho, 2008: 193). محتوای حقیقی میراث فرهنگی در اصل معرف منابع و ثروت فرهنگی است که در کنار منابع طبیعی و مادی، بخشی از هویت و البته ثروت ملی محسوب می‌شود. جهت حفظ و احیای تاریخ، آداب و رسوم و فرهنگ ملی و بومی برنامه ریزی خاصی انجام نگرفته است. یک کیسه کردن میراث فرهنگی با صنعت جهانگردی و گردشگری نشانگر مادی‌گرایی، کمیت‌زایی و کاهش میراث فرهنگی به صنعت است. در حالی که آثار تاریخی و فرهنگی بسیار متنوع هستند و از جهات مختلف در زندگی روزمره مورد توجه و استفاده مردمان در مقیاس ملی، منطقه‌ای و محلی قرار می‌گیرند، میراثی که با خون، گوشت و استخوان مردم عجین شده است و تنها با منفعت مادی سنجش نمی‌شوند. هر چند که نمی‌توان انکار کرد، میراث فرهنگی یکی از برگ‌های برنده اقتصاد ملی است، اما تنها در آن خلاصه نمی‌شود. سرمایه‌گذاری در مورد میراث فرهنگی هم موجب توسعه گردشگری، اشتغال‌زایی و کارآفرینی و در نتیجه عواید اقتصادی می‌شود، و هم توسعه فرهنگ ملی، محلی و بومی، و هویت‌یابی یا پایداری در هویت و پویایی هویتی و فرهنگی را به دنبال دارد. میراث فرهنگی از دو رویکرد در برنامه ششم توسعه مورد توجه قرار گرفته است: نخست بعد اقتصادی؛ میراث فرهنگی تا زمانی ارزشمند، مورد توجه و قابل هزینه است که سودآور و منبع درآمدی برای دولت و جامعه باشد. دوم بعد دینی؛ میراث فرهنگی تا زمانی مورد تاکید است که دقیقاً با دین سازگار بوده یا مطیع و تحت سلطه آن باشد. بخشی از میراث فرهنگی ملموس و ناملموس که دینی هستند در برنامه ششم بسیار مورد توجه قرار گرفتند اما بخش قابل توجهی از

آن، فراموش یا طرد شده اند و یا مسکوت مانده اند. این برنامه نه بخاطر بی مهری به میراث، بلکه بیشتر از عدم توجه عادلانه به آن رنج می برد و این امر ناشی از کاهش گرایی، انحصار گرایی و مطلق گرایی ایدئولوژی متأثر از سیاست های کلی است. در حالی که در برنامه ششم، وظیفه شناسایی، حفظ، مرمت و معرفی میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، به طور روشن، تنها به سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری واگذار شده است اما در مورد میراث دینی، این وظیفه به کل سازمان ها، ارگان ها و مکان های دولتی و خصوصی در سطح جامعه واگذار و تحمیل شده است. عدالت فرهنگی همانند عدالت اقتصادی، قانونی، آموزشی و اجتماعی یکی از ضروریات توسعه پایدار است. "عدالت فرهنگی در دو بعد اساسی قابل طرح و بررسی است: الف) بعد مادی فرهنگ (عدالت در دسترسی)، و ب) بعد محتوایی فرهنگ (عدالت در حضور). بدون وجود حداقلی از آزادی ها امکان تحقق عدالت در حضور فرهنگی وجود ندارد" (نظام بهرامی، ۱۳۹۸: ۲۰۲). برنامه ششم به ارزش های فرهنگی و اقتصادی میراث بومی اشاره دارد اما بر مدیریت و استفاده از میراث ملموس و ناملموس مذهبی متمرکز شده است، و تنها بر شناخت، حفظ، ترویج، توسعه و حاکمیت سنت ها و میراث مذهبی تاکید دارد. غالب برنامه ریزی های توسعه ای به بخش میراث فرهنگی ملموس می پردازد که آن هم در مقایسه با میراث دینی بسیار نحیف است. با وجود آن که میراث دینی تنها بخشی از میراث بسیار گسترده فرهنگی است، اما در برنامه ششم به بخش دوم تاکید بسیار کمتری شده و خصوصاً میراث فرهنگی ناملموسی را که جنبه دینی ندارند کاملاً از قلم انداخته است که نتیجه این بی تعهدی، بی تفاوتی، طرد، فراموشی و معدوم شدن این بخش بزرگ از میراث است. در بخش میراث فرهنگی دینی نیز تنها به یک مورد خاص تاکید شده است. آن چه که باید مورد توجه قرار گیرد عدالت فرهنگی است.

یکدست سازی فرهنگی و ترویج هژمونی حاکم یکی دیگر از ویژگی های برنامه ششم توسعه است. همه میراث های فرهنگی متنوع با دین تعریف می شوند و به دین تقلیل می یابند. همان گونه که نوسازی تنها بر شیوه توسعه غربی تاکید دارد، برنامه ششم توسعه نیز با الگوی تک خطی و تنها با تاکید بر یک شیوه فکری و فرهنگی و حذف شیوه های فرهنگی دیگر، سامان یافت. این برنامه، نه با تنوع گرایی و دموکراسی فرهنگی توسعه پایدار، بلکه با ویژگی های انحصار، سلطه، حاشیه رانی، طرد و حذف نوسازی مطابقت دارد. بخشی از میراث فرهنگی بعد از اسلام، خودی، و غالب میراث فرهنگی قبل از اسلام غیر خودی به شمار می آیند. در حالی که بسیاری از مصادیق فرهنگ ایرانی و بومی، نه اسلامی هستند و نه با اسلام در تضادند. بلکه تنها با آن ها متفاوتند. "سیاست ملت سازی، به معنی به حاشیه رانی غیر خودی ها، سرکوب اقلیت ها و مردمان بومی، و استعمارگری داخلی است" (پیترز، ۱۳۹۴: ۱۲۸). برنامه ششم توسعه به آپارتاید فرهنگی دچار شده است. این برنامه سعی دارد از دام تک فرهنگی نوسازی غربی بگریزد، اما به دام تک فرهنگی حکومتی جهت پروژه ملت سازی، یکسان سازی، بهنجار کردن و جذب دستوری افتاده است. در حالی که انتظار می رود "نقد غربی سازی، به چند محوری، چند قطبی فرهنگی و تکثرگرایی بیانجامد" (همان: ۲۷)، اما این برنامه، نسبت به بسیاری از ویژگی های رویکرد نوسازی مانند؛ تخریب طبیعت، دوری از عدالت، عام گرایی، توسعه به مثابه ایدئولوژی، وعده دنیای بهتر، یکسان سازی و همگون سازی، سلطه گری، سیاست طرد و انحصار، امتناع از شنیدن صداهای دیگر و تک صدایی، وفادار مانده است. یکسان سازی بسیاری از تفاوت ها را نادیده می گیرد و منجر به تمرکز گرایی شدید، سلطه فرهنگی، استعمارگری داخلی و حذف دموکراسی فرهنگی می شود. یک جانبه نگری فرهنگی، کلی گویی، کمیت گرایی و بی تفاوتی و حتی طرد بخش هایی از میراث فرهنگی این مرز و بوم از ویژگی های برنامه ششم توسعه است. برنامه ششم به دوگانه انگاری فرهنگی دچار شده است که بر این اساس، بخشی از میراث فرهنگی، ناپاک، آمیخته با اساطیر و جادو، خرافات، مضر، نابهنجار و غیر اخلاقی، و بخشی دیگر، پاک، راهبر، اصیل، معیار و مبنا تعریف می شوند.

## بحث و نتیجه گیری

از زمانی که تاریخ از دیدگاه قدرتمندان و برندگان جنگ نقل شده است، میراث یک پدیده سیاسی است. طبقات حاکم، به ویژه

در کشورهای در حال توسعه، بر محتوا و شکل بازآفرینی تاریخی به دقت نظارت می‌کنند. تایید، حفظ، نگهداری، استفاده، بهره برداری، ارائه و تفسیر میراث مستلزم تصمیمات سیاسی بی شماری است. از نظر تیموتی - بوید (۲۰۰۳) بازنمایی میراث به ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی و سیاسی کنونی مشروعیت می‌بخشد. میراث بازنمایی ارزش‌ها است و می‌توان از آن برای دستکاری، حذف و بازنویسی گذشته استفاده کرد. هر میراث مشروعی از میان مجموعه وسیعی از گذشته انتخاب می‌شود. در نهایت، این به صاحب قدرت بستگی دارد که کدام میراث باقی بماند (Husz, 2013: 133). حاکمیت نماینده گروه قومی یا نژادی غالب در جامعه است و تلاش می‌کند تا فرهنگ خود را بر اقلیت‌ها تحمیل کند و فرهنگ‌های متمایز و هویت آن‌ها را به تدریج پاک کند (Logan, 2014: 164). می‌توان از میراث فرهنگی برای فریب یا دستکاری مردم استفاده کرد. دولت‌ها معمولاً از میراث فرهنگی برای تبدیل گروه‌های قومی مختلف به یک موجودیت ملی منسجم‌تر و هماهنگ‌تر و شکل دادن به افکار عمومی استفاده می‌کنند. آن‌ها از نسخه‌های گزینشی میراث استفاده می‌کنند تا گروه‌های اقلیت را مجبور به پذیرش فرهنگ مسلط کنند و هویت فرهنگی آن‌ها را از بین ببرند (Logan, 2007: 42). تأکید بر میراث یک گروه با هزینه گروه‌های دیگر، احساس برتری گروه مسلط و احساس حقارت گروه‌های دیگر را تقویت می‌کند، این می‌تواند پیامدهای خطرناک اجتماعی - سیاسی داشته باشد. مردم باید اجازه داشته باشند برای آینده خود تصمیم بگیرند. نباید مردم را مجبور به پذیرش الگوهایی کرد که دیگر برایشان ارزشی قائل نیستند (Logan, 2009: 17). آن‌ها نباید تحت جذب اجباری و یا مورد تخریب فرهنگ بومی قرار گیرند. دولت‌ها نباید مردم بومی را به بهانه وحدت و یکپارچگی از ارزش‌های فرهنگی یا هویت‌های قومی شان محروم کنند (Lai, 2014: 292)، چون غالباً "دولت‌ها به بهانه ملت سازی و حفظ ثبات سیاسی، میراث مردم بومی را که گفتمان هایشان قدرت و اقتدار کمتری دارد، تضعیف می‌کنند" (Miranda, 2019: 74). بسیاری از دولت‌های ملی که بر سر زبان، مذهب و قومیت درگیری‌هایی دارند، از بالکانیزاسیون هراس دارند (Logan, 2007: 41). پایداری میراث مستلزم آشتی دادن ارزش‌های حاکم با میراث فرهنگی ملی، بومی و محلی است. "سیاست‌های میراث بر مبنای پایداری فرهنگی، به دنبال نگهداری، استفاده و توسعه میراث‌های متفاوت است. این سیاست‌ها باید قابلیت جذب ایده‌ها و حمایت از آرمان‌های گروه‌های مختلف درگیر در میراث را داشته باشند" (Dessein et al., 2015: 39). در تدوین سیاست‌ها باید به اصولی چون عدالت بین نسلی؛ برابری در دسترسی به تولیدات فرهنگی، مشارکت و بهره‌مندی برای همه اعضای جامعه بر مبنای عدالت و بدون تبعیض؛ تنوع فرهنگی؛ مراقبت از میراث فرهنگی، و اصول پیوندهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توجه شود. (Parameswara, 2020: 183).

در این پژوهش جایگاه میراث فرهنگی در برنامه ششم توسعه مورد واکاوی قرار گرفته است. با توجه به یافته‌های این پژوهش، برخی از ویژگی‌ها و مواردی که جایگاه میراث فرهنگی را در برنامه ششم توسعه نشان می‌دهند عبارتند از: (۱) ابهام و کلی‌گویی، نبود هدف‌گذاری شفاف، عدم تفکیک میراث فرهنگی مادی از غیر مادی، و ملی از منطقه‌ای یا محلی، و تعریف نقش و جایگاه هر کدام از آن‌ها؛ (۲) رویکرد اقتصاد محور به میراث فرهنگی و نگاه مصرفی و منفعت طلبی به آن؛ (۳) ناعدالتی و توسعه نامتوازن فرهنگی و تأکید صرف بر شناسایی، ترویج، تزریق و تحمیل میراث دینی، و در نتیجه؛ سیطره فرهنگی؛ (۴) یکسان و همسان سازی فرهنگی، انحصارگرایی و یکه تازی فرهنگی، تک صدایی، ترویج هژمونی، بخشی‌نگری و هراس از تکرارگرایی فرهنگی به بهانه ملت سازی و حفظ ثبات و انسجام سیاسی و فرهنگی و که نتیجه آن؛ تضعیف، فراموشی، بی تفاوتی، بی‌مهری، حاشیه رانی، بی‌صدایی، طرد یا حذف بسیاری از میراث فرهنگی ملی، بومی و محلی است؛ و (۵) عدم توجه به تعریف و تفکیک دقیق و کافی وظایف سازمان‌ها در زمینه شناسایی، نگهداری، مرمت، معرفی، آموزش رسمی و همگانی و انتقال میراث فرهنگی و بومی.

گسترده‌گی موضوع، مهم‌ترین محدودیت این پژوهش است. میراث فرهنگی بسیار متنوع و گسترده است و پرداختن، بررسی و تحلیل دقیق و کامل آن، هزینه‌های زیاد مادی، علمی و زمانی را می‌طلبد. علاوه بر این، تنها با بررسی برنامه توسعه نمی‌توان به جایگاه میراث فرهنگی و میزان دغدغه حاکمان در برنامه ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های کلان پی برد، چون در جامعه ما، میان

برنامه تا اجرا بسیار فاصله است. بسیاری از قوانین فقط در حد تصویب باقی می‌ماند و صرفاً جنبه تبلیغاتی دارند و یا به دلایل گریز از افکار عمومی و یا جهانی شکل گرفته‌اند. گاهی برخی از بندها و تبصره‌ها، در اغلب برنامه‌های توسعه، مکرر، به تصویب می‌رسند و تا مرحله اجرا، راهی بس طولانی در پیش دارند. بسیاری از آثار باستانی و تاریخی را در جای جای ایران می‌توان یافت که بدون متولی، کاملاً رها شده و به دلایل انسانی و طبیعی متلاشی، مخروبه و فرسوده می‌شوند.

تاکید بر شناخت و آموزش میراث، دوری از سانسور، تأکید بر تنوع، چند جانبه‌نگری و چند فرهنگی، عدم حذف بخش‌هایی از فرهنگ و تأکید بر انسان به عنوان هدف توسعه، در برنامه‌های توسعه می‌تواند در پیشرفت کمی و کیفی کشور بسیار موثر باشد. آن چه که برنامه ریزان توسعه باید به آن توجه کنند؛ همسان‌پنداری فرهنگی به جای همسان‌سازی فرهنگی است چون حقیقت و اصالت در اسارت، سلطه و مالکیت هیچ فرد، گروه، قشر، طبقه، دین و آیین، اندیشه و حاکمیتی نیست. با توجه به این که کشور ایران دارای سابقه تاریخی بسیار کهن، اقوام متعدد و تجربیات فراوانی در امر کشورداری، پیشرفت و تمدن می‌باشد، شناخت آن‌ها و اتکا بر منابع ملی و بومی، و ملموس و ناملموس باعث تقویت روحیه ملی و حذف نگرش وابستگی خواهد شد، در حالی که یکسان‌سازی فرهنگی موجب استیلاي فرهنگ دیکتاتوری یا سلطه فرهنگی می‌شود. حاکمان جهت یکسان‌سازی فرهنگی، از طریق برنامه مهندسی فرهنگی به مداخله فرهنگی دست می‌زنند. اگر مهندسی فرهنگی با تنوع فرهنگی بومی همسو باشد، عادلانه و انسانی است. شاید مهندسی فرهنگی با هدف مقابله با فرهنگ وارداتی قابل دفاع باشد اما وقتی به دیکتاتوری فرهنگی بیانجامد، سرچشمه تبعیض‌ها و ناعدالتی است. فرهنگ کشی چه به نام مهندسی فرهنگی حاکمیت و چه از طریق به اصطلاح شیخون فرهنگی، ناپسند و غیر انسانی است. به گفته گاندی؛ هیچ فرهنگی با انحصارگرایی نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. برنامه‌های توسعه باید از سیاسی‌سازی میراث و پاکسازی فرهنگی دوری کنند. آن چه که برنامه ریزان توسعه و سیاست فرهنگی به آن نیاز دارند؛ آشتی دادن فرهنگ دینی با فرهنگ ملی، بومی و محلی و مدرن، و نیز بازنگری و بازاندیشی مفهوم ملت‌سازی و ترویج دستوری و تحمیل فرهنگ حاکمیت است. تنوع فرهنگی یک تهدید نیست؛ یک فرصت و در عین حال، یک ضرورت است. سیاست اجتماعی می‌تواند به دو گونه عمل کند: همگرایی گروه‌های متفاوت در قالب یک واحد اجتماعی متجانس تر یا حفظ اختلافات گروهی در چارچوب شهروندی مشترک. هدف سیاست‌های همگون‌ساز این است که همه فرهنگ‌های اقلیت، بومی و محلی آداب و سنن و باورهای اخلاقی خاص خود را کنار بگذارند و فرهنگ عمومی و مرکزی را بپذیرند. در واقع، همگونی فرهنگی عبارت است از نوعی انفعال و استعاله که بر یکپارچگی و کاهش تنوع تأکید می‌کند (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۴۱). تنوع فرهنگی، بحران نیست، تمایز است. تنوع فرهنگی، همبستگی، هویت و تفاوت را نشان می‌دهد. جهان چند فرهنگی است. همه دولت‌ها چند فرهنگی هستند. تنوع فرهنگی، به مردم یا جوامع کمک می‌کند تا با هم در صلح و شادی زندگی کنند. از طریق گفتگوها و تعاملات، مردم فرهنگ‌های دیگران را می‌آموزند. افزایش تعامل بین فرهنگ‌های قومی، موجب نوآوری‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود که رونق و کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد. مردم بین فرهنگی تر از آن چیزی هستند که تصور می‌شود (Erbas, 2020: 187). هیچ فرهنگ کاملی وجود ندارد، از طریق تعامل بین فرهنگی است که فرهنگ‌ها رشد می‌کنند.

همه اقوام، گروه‌ها، اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی، حق و نیز توانایی دانستن، درک، بهره‌مندی، مراقبت، تبادل و توسعه میراث فرهنگی خود را بدون محدودیت سیاسی، مذهبی، اقتصادی یا فیزیکی دارند. آن‌ها حق دارند هویت فرهنگی خود را تعریف و به شیوه خود زندگی کنند و نمی‌توان آن‌ها را از حقوق فرهنگی خود محروم کرد. اگر یک نسخه رسمی میراث توسط دولت، به عنوان بخشی از استراتژی ملت‌سازی برای دستیابی به ثبات سیاسی، انسجام و وحدت ملی ترویج شود و همه مردم مجبور به پذیرش این فرهنگ غالب باشند، این امر منجر به طرد و نابودی دیدگاه‌ها و هویت‌های فرهنگ‌های بومی و محلی و گروه‌های اقلیت می‌شود. اصرار بر وحدت در میراث می‌تواند برای تشویق مشارکت جامعه در جنگ، و حتی پاکسازی قومی و نسل‌کشی مورد استفاده قرار گیرد. نمونه‌ای از این سیاسی‌سازی میراث فرهنگی، کشور میانمار است که به منظور ادغام فرهنگ‌های متنوع

قومی و مذهبی کشور به یک هویت واحد ملی، ارزش‌های فرهنگی را که از لحاظ تاریخی با سلطنت و بودیسم ارتباط دارد، ترویج کرده است تا به اقتدار سیاسی خود مشروعیت بخشد و میراث فرهنگی سایر گروه‌های اقلیت قومی و مذهبی نادیده گرفته شده است. در حالی که آن‌ها می‌توانند با تاکید بر حقوق بشر در سیاست میراث، تایید ماهیت چند فرهنگی و تعریف میراث ملی به شیوه‌ای فراگیر، به کاهش درگیری‌های بین قومی و افزایش انسجام کمک کنند (Logan, 2012: 5-8).

تنها همسانی‌ها نیستند که هویت جامعه و وحدت ملی را می‌سازند بلکه تفاوت‌ها نیز، به همراه شباهت‌ها، می‌توانند پیام آور دوستی، یگانگی و همبستگی باشند. همبستگی، بیشتر بر پایه تفاهم و همدلی است تا یکسانی. آن چه که وجود دارد تفاوت، تنوع و تضاد است؛ هیچ وحدت واقعی وجود ندارد. هویت ملی، همبستگی، همدلی و عشق، از ترکیبی از شباهت‌ها، تفاوت‌ها و تنوع‌ها شکل می‌گیرند. تفاوت، دشمنی نیست؛ دیگری است، دیگری که با داشتن برخی از ویژگی‌های عمومی مشابه یا مشترک، به سادگی می‌تواند خودی به شمار آیند. با وجود هویت‌های متنوع، می‌توان به همبستگی و هویت مشترک دست یافت. هویت و همبستگی الزاما با یگانگی و یکدستی به دست نمی‌آید. ملت، صرفا بر پایه تحمیل ارزش و هژمونی شکل نمی‌گیرد. برنامه ریزان توسعه باید به تعریف و فهم دوباره از مفهوم ملت، و نیز تنوع، دموکراسی و همدلی دست یازند. همه مردمان این سرزمین، با وجود هر گونه تفاوت فرهنگی و محیطی، حق حیات دارند و این نافی نظم و وحدت، و بانی هرج و مرج نیست. برنامه ریزان باید بدانند که با وجود تنوع فرهنگی، رسیدن وحدت ملی غیر ممکن نیست و تحمیل تنها یک فرهنگ خاص به عنوان فرهنگ اصیل و برتر، نه تنها موجب تثبیت آن نمی‌شود بلکه در طول زمان جایگاه اصلی خود را نیز از دست خواهد داد. فرهنگ‌های متعدد بومی و محلی، خواه ناخواه از طریق بده بستان‌ها در فرایند تعامل اجتماعی به زندگی مسالمت‌آمیز تن می‌دهند، چون با فرهنگ عمومی پذیرفته شده - نه فرهنگ دستوری - مبانی تقریبا مشترک دارند. برخلاف یکسانی تحمیلی، همبستگی و هماهنگی اجتماعی - فرهنگی، نوعی وحدت در عین کثرت است.

کشف، شناخت و درک پتانسیل عظیمی از میراث فرهنگی، محرکی برای توسعه‌های فکری، عاطفی و اخلاقی جامعه محسوب می‌شود. "بازایی و بازسازی تاریخ می‌تواند موجب پذیرش تنوع باشد و این‌ها از ویژگی‌های توسعه است. به عنوان مثال، در اندونزی، فرهنگ‌های هندو، بودایی و کنفوسیوس دوشادوش سنت‌های اسلامی رشد همزمان یافته اند. آلبانی حضور موفق فرهنگ‌های رومی، مسیحی و اسلامی را در یک مکان تاریخی تجربه کرده است و هند با حضور فرهنگ‌های بسیار متفاوت، در راه توسعه گام بر داشته است" (سن، ۱۳۸۶: ۳۷). "سنگاپور، به جای نادیده گرفتن یا نابودی تنوع قومی و فرهنگی، در جهت پذیرش آن کوشیده است و همین موضوع موجب توفیق در توسعه شده است" (ویلیس، ۱۳۹۳: ۱۴۵). آن چه بر دنیا حاکم است مجموعه‌ای از تشابهات، تفاوت‌ها و تضادهاست. شیوه‌های زندگی، آرزوها، ارزش‌ها و باورهای مناطق و اقوام مختلف درون یک جامعه همسان نیستند بلکه مجموعه‌ای از تضادها، تفاوت‌ها و تشابهات هستند. برنامه‌های توسعه در یک کشور باید به همه این موارد توجه کند. یک برنامه خوب توسعه، بافت‌های قومی، فرهنگی و دینی متفاوت را در نظر می‌گیرد، چون همه انسان‌ها با همه تفاوت‌هایشان حق زیستن دارند. برنامه‌های توسعه با تاکید بیشتر و عادلانه‌تر بر همه میراث فرهنگی کشور، می‌توانند به درک و همزیستی فرهنگ‌ها و سنن متفاوت کمک کنند و در راه توسعه‌ای پایدارتر و کامل‌تر، و زندگی بهتر و همدلانه‌تر همه انسان‌ها گام بردارند. در دوره مدرن، پدیده دوگانگی و سردرگمی، و نیز گسست نسل جدید از هویت تاریخی و بومی خود، نه تنها موجب ادغام آن‌ها در فرهنگ حاکم نمی‌شود بلکه در جریان هویت یابی جدید متاثر از تفکرات پسامدرن و رسانه‌های متنوع، با کمک آزادی‌های جدیدی که در شکل دهی به شخصیت به دست آورده اند، از این جا رانده و از آن جا مانده، در گیرودار هویت‌های ایرانی - اسلامی، ملی، قومی یا بومی و غربی، هویت مختلط بی ریشه‌ای شکل می‌دهند که نوید دهنده فرهنگ و هویت آینده این مرز و بوم است. این امر باید یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و مسائل کشور ما در امر توسعه باشد. برای رسیدن به توسعه پایدار، بومی و مردمی، برخی از راهکارها در امر برنامه ریزی توسعه‌ای ارائه می‌گردد:



- تشکیل کارگروه جهت شناخت و شناساندن میراث‌های فرهنگی کشور.
- واگذاری امور فرهنگی به بخش خصوصی، تعاونی و سازمان‌های مردم نهاد.
- تقویت مشارکت عمومی و تشکل‌های مردمی و محلی در نگهداری از میراث فرهنگی.
- آموزش همگانی و رسمی، به ویژه از طریق صدا و سیما، آموزش و پرورش و آموزش عالی.
- تعیین مدیریت علمی و مناسب و بودجه کافی برای بازرسی، بازسازی و احیای آثار ملموس فرهنگی.
- تدوین برنامه مناسب و متناسب با اصول توسعه انسانی و پایدار، و با توجه به موقعیت فرهنگی، مکانی و زمانی.
- رعایت اصل عدالت فرهنگی، و ایجاد فضای تنفس برای فرهنگ‌های متنوع ملی، محلی و بومی، و ورود آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های توسعه در کنار فرهنگ عمومی، به عنوان بخشی از فرهنگ واقعی و روزمره مردم.

## منابع

- احمدی، حمید و بیدالله خانی، آرش (۱۳۹۳). پساتوسعه گرایی و بازنمایی‌های انتقادی از گفتمان توسعه؛ رویکردی مردمی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره سوم، صص ۴۷-۶۳.
- افخمی، بهروز (۱۳۹۵). راهبرد توسعه اقتصادی مبتنی بر میراث فرهنگی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال چهارم، شماره چهاردهم، تابستان ۹۵، صص ۲۷-۴۸.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۴). عقب ماندگی و توسعه در ایران، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۲، صص ۵۲-۷۷.
- بابایی فرد، اسد الله (۱۳۸۹). توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران؛ فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۷-۳۷.
- پیترز، جان ندروین (۱۳۹۴). نظریه توسعه: فرهنگ، اقتصاد، جامعه، ترجمه انور محمدی، تهران: نشر گل آذین،
- \_ تومه، ژرژ (۱۳۷۳)، توسعه فرهنگی و محیط زیست، ترجمه محمود شارع پور، تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- خلاصه گزارش عملکرد قانون برنامه ششم توسعه در سال ۱۳۹۷، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- رئیسی فر، محدثه (۱۳۹۷). میراث فرهنگی و اقتصاد خلاق؛ دومین همایش ملی میراث فرهنگی و توسعه پایدار، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۹۸). نقد سند الگوی پایه اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر الزامات توسعه، برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۳.
- سلیمی، مینو (۱۳۹۷). جایگاه طرح ملی مردم نگاری در سرزمین در توسعه پایدار، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۶). اهمیت فرهنگ در توسعه چقدر است؟ ترجمه: محمود سلیمی و محمد ندیری، اقتصاد سیاسی، سال دوم، شماره ۵ و ۶.
- شایانی فر، مجید و نوری، فاطمه (۱۳۹۷). تعامل یا تقابل آمایش سرزمین با بافت میراث تاریخی؛ دومین همایش ملی میراث فرهنگی و توسعه پایدار، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۸): انسجام ملی و تنوع فرهنگی. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، چاپ اول، تهران.
- ضیایی، آرام (۱۳۹۵). پساتوسعه (نظریه، عمل، مسائل و چشم اندازها)، ترجمه: موسی عنبری، ابوذر قاسمی نژاد و میلاد رستمی، تهران: نشر علم.

- علوی، لیلا و رنج پور، رضا (۱۳۹۳). گفتمانی بدیل برای توسعه: رویکرد انسان شناختی به مفهوم توسعه. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال چهاردهم، شماره اول، صص ۱۶۹-۱۹۲.
- عنبری، موسی (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: انتشارات سمت.
- فدایی نژاد، سمیه و حناچی، پیروز (۱۳۹۳). بررسی و تبیین سیر تحول سیاست‌ها و برنامه‌های نگهداری از میراث فرهنگی، بازه زمانی سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۱؛ دو فصلنامه معماری ایرانی، دوره ۳، شماره ۵، صص ۲۱-۳۷.
- قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰).
- موثقی، احمد (۱۳۸۳). توسعه؛ سیر تحول مفهومی و نظری. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳، بهار ۸۳، صص ۲۲۳-۲۵۲.
- مومنی، سمیه و درویشی، هادی (۱۳۹۸). نگاهی به مکتب پساتوسعه؛ فرهنگ رسانه، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۸۵-۱۰۴.
- نظام بهرامی، کمیل (۱۳۹۸). فرهنگ، جامعه و خودپنداری، بیست و یک مقاله و مصاحبه در حوزه فرهنگ و جامعه، صص ۱۹۱-۲۱۲.
- نقوی، محمدرضا؛ پایدار، ابوزر و قاسمی، یاسر (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل نقش فرهنگ در توسعه مناطق روستایی با رویکردهای توسعه پایدار؛ سال ششم - شماره ۶۷ و ۶۸ صص ۹۳-۱۰۵.
- ویلیس، کتی (۱۳۹۳). نظریه‌ها و تجربه‌های توسعه، ترجمه: حسین ایمانی جاجرمی و پیمان پور رجب، تهران: نشر پژوهش.
- Baltà Portolés, J. (2018). Cultural Heritage and Sustainable Cities. Key Themes and Examples in European Cities. UCLG Committee on Culture Reports.
- Bervar, M, & Trnavcevic, A. (2009). Importance of Culture for Sustainable Development. *Managing Global Transitions* 17 (3): 195-209.
- Blake, J. (2017). From Traditional Culture and Folklore to Intangible Cultural Heritage: Evolution of a Treaty. *Santander Art and Culture Law Review* 2/2017 (3): 41-60. DOI: 10.4467/2450050XSNR.17.017.8422.
- Cho, H. (2008). Conservation of Indigenous Heritage in the United States: Issues and Policy Development, *The Journal of Arts Management, Law, and Society*, 38.3, pp 187-204.
- Dessein, J., Soini, K., Fairclough, G. and Horlings, L. (2015). Culture in, for and as Sustainable Development. Conclusions from the COST Action IS1007 Investigating Cultural Sustainability. University of Jyväskylä, Finland.
- Erbas, I. (2013). Perception of Cultural Diversity. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies MCSER Publishing, Rome-Italy*. Vol 2 No 11. pp: 186-192. E-ISSN 2281-4612 ISSN 2281-3993.
- Erbas, I. (2020). Cultural Diversity. Effects of global risk in transition countries, Tirana, Albania, pp 185-190.
- Grazuleviciute, I. (2006). Cultural Heritage in the Context of Sustainable Development: Environmental research, engineering and management, No. 3 (37), pp: 74-79.
- Hampton, M, P, (2005). HERITAGE, Local Communities and Economic Development. *Annals of Tourism Research*, Vol. 32, No. 3, pp. 735-759.
- Husz, M, (2013). Main Aspects of Cultural Heritage Policy: Insights into the Cultural Heritage Landscape. Editor: Kovács, D. Pécs, Hungary, pp 133-140. ISBN 978-963-642-534-0.
- Jameson, J, H. (2020). Cultural Heritage Interpretation. *Encyclopedia of Global Archaeology*. Washington, USA.
- Jelincic, D. A. & Glivetic, D. (2020). Cultural heritage and sustainability: Practical Guide, Interreg Europe programme.
- Labadi, S., Giliberto, F., Rosetti, I., Shetabi, L, & Yildirim, E. (2021). Heritage and the Sustainable Development Goals: Policy Guidance for Heritage and Development Actors: An initiative of the Sustainable Development Goals Working Group. International Council on Monuments and Sites – ICOMOS.
- Lai, J, C. (2014). Indigenous Cultural Heritage and Intellectual Property Rights: Learning from the New Zealand Experience? Springer International Publishing Switzerland 2014. DOI 10.1007/978-3-319-02955-9.

- Logan, W. (2007). Closing Pandora's Box: Human Rights Conundrums in Cultural Heritage Protection. In *Cultural Heritage and Human Rights*, edited by Helaine Silverman and D. Fairchild Ruggles, pp. 33–52. Springer, New York.
- Logan, W. (2009). Playing the Devil's Advocate: Protecting Intangible Cultural Heritage and the Infringement of Human Rights. *historic environment*, volume 22 number 3. pp 14-18.
- Logan, W. (2012). Cultural diversity, cultural heritage and human rights: towards heritage management as human rights-based cultural practice. *International Journal of Heritage Studies*, pp 1-14.
- Logan, W. (2014). Heritage Rights—Avoidance and Reinforcement. *heritage & society*, Vol. 7 No. 2, 156–169.
- MacNeill, T. (2020). Indigenous Cultures and Sustainable Development in Latin America. Switzerland. [https://doi.org/10.1007/978-3-030-37023-7\\_1](https://doi.org/10.1007/978-3-030-37023-7_1).
- Mergos, G. & Patsavos, N. (2017). *Cultural Heritage and Sustainable Development: Economic Benefits, Social Opportunities and Policy Challenges*. Publisher: Technical University of Crete. PP 21-42.
- Mergos, G. (2017). *Cultural heritage and the economic development agenda: Cultural Heritage and Sustainable Development: Economic Benefits, Social Opportunities and Policy Challenges*. Publisher: Technical University of Crete. PP 81-96.
- Miranda, M, M. (2019). The Resurgence of the Heritage of Indigenous Peoples of Thailand in the Aftermath of Development. *Journal of Heritage Management* 4(1) pp 73-84.
- Naibei, P. (2014). Culture and Sustainable Development. Conference Paper. August 2014. DOI: 10.13140/2.1.2692.9928.
- Ohlan, R. (2017). The relationship between tourism, financial development and economic growth in India. *Future Business Journal* 3, pp 9-22.
- Parameswara, A. (2020). Exploring the Approaches of Culture on Sustainable Development: South East Asia *Journal of Contemporary Business, Economics and Law*, Vol. 21, Issue 5. pp 177-185.
- Petti, L, Trillo, C, & Makore, B. N. (2020). Cultural Heritage and Sustainable Development Targets: A Possible Harmonisation? *Insights from the European Perspective*, *Sustainability*, 12, 926; doi:10.3390/su12030926.
- Rivera, M, A. (2017). The synergies between human development, economic growth, and tourism within a developing country: An empirical model for Ecuador. *Journal of Destination Marketing & Management*, Volume 6, Issue 3, September 2017, PP. 221-232.
- Ruggles, D, F. & Silverman, H. (2009). From Tangible to Intangible Heritage: Intangible Heritage Embodied, Department of Landscape Architecture, USA. pp 1-14. DOI 10.1007/978-1-4419-0072-2\_1.
- Seidl, A. (2014). Cultural ecosystem services and economic development: World Heritage and early efforts at tourism in Albania. *Ecosystem Services* 10 (2014) pp 164-171.
- Silverman, H, & Ruggles, D, F. (2007). *Cultural Heritage and Human Rights*. New York: Springer Science and Business Media.
- Sokhanvar, A., Çiftçioğlu, S., & Javid, E. (2018). Another look at tourism- economic development nexus. *Tourism Management Perspectives*, 26, pp 97-106. <https://doi.org/10.1016/j.tmp.2018.03.002>.
- Tilbury, D & Mulà, I. (2009). *Review of Education for Sustainable Development Policies from a Cultural Diversity and Intercultural Dialogue: Gaps and Opportunities for Future Action*. Paris: UNESCO. ISBN: 978-1-86174-200-1.
- UN, (2012). *Realizing the Future, We Want for All* 'Report to the Secretary-General. UN System Task Team on the Post-2015 UN Development Agenda, New York, June 2012.
- UNESCO, (2001). *Universal Declaration on Cultural Diversity: Adopted by the 31st Session of the General Conference of UNESCO, PARIS*.
- UNESCO, (2003). *Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage (The Intangible Heritage Convention)*.
- UNESCO, (2005). *The Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions*. Paris, 20 October.
- UNESCO, (2009). *UNESCO World Report: Investing in Cultural Diversity and Intercultural Dialogue: Executive Summary*. Contributors: Rivière, F., Kutukdjian, G., Corbett, J, & UNESCO. Paris, France.
- UNESCO, (2012). *UN System Task Team on the Post-2015 UN Development Agenda: Realizing the Future We Want for All*. New York.
- Vries, G. d. (2020). *Culture in the Sustainable Development Goals: The Role of the European Union*. (2nd revised edition) ifa Edition Culture and Foreign Policy. <https://doi.org/10.17901/AKBPI.06.2020>.

## Investigating and analyzing the position of cultural heritage in the sixth development plan

**Shahryar Sajedi Raisi**<sup>1</sup>

*Researcher of cultural issues and PhD in cultural sociology, Mazandaran University, Mazandaran, Iran*

**Seyed Zakaria Ediani**<sup>2\*</sup>

*PhD student in Economic Sociology and Development, Mazandaran University, Mazandaran, Iran  
(corresponding author).*

**Mohammad Zaman Mohammadi Raisi**<sup>3</sup>

*PhD in Economic and Development Sociology and Researcher of Economic and Social Issues, Mazandaran University, Mazandaran, Iran*

**Abstract:** *Cultural heritage, as the authenticity and identity of people in the society, is a large part of public culture that has suffered from sectionalism and consumerism. Many symbols and examples of cultural heritage have been neglected or forgotten, and this process of forgetting and indifference - knowingly or unknowingly - continues at a very alarming rate. This research, using the library method and document analysis, has identified the types and examples of cultural heritage and investigated its place in the sixth development plan. The findings show that in the 6th development plan, emphasis is placed on determining the duties of tourism businesses as well as the income of museums and historical monuments, revitalizing villages with historical context, determining the duties of executive bodies in relation to tourism and cultural heritage, and handing over part of the executive affairs to the private sector. However, attention has often been paid to religious cultural heritage, as well as material and profitable, and considering the extent of tangible cultural heritage in Iran, the emphasis of this program on it is limited and insufficient. In addition, the performance of this program towards intangible cultural heritage has been selective, along with indifference, exclusivity, marginalization or rejection. To avoid this challenge; Identifying, maintaining and restoring cultural heritage; public and formal education; Expanding cultural diversity, multilateralism and cultural justice; creating a breathing space for indigenous, local and ethnic culture; And the human centrality in development is one of the points that should be emphasized in development plans in order to provide the quantitative and qualitative progress of sustainable, human and human development.*

**Key words:** *tangible and intangible cultural heritage, native and local culture, post-development, sustainable development, cultural diversity and cultural justice.*

---

<sup>1</sup> E-mail: shahriarsajedi.r@gmail.com

<sup>2</sup> E-mail: szadyani@gmail.com (Corresponding Author)

<sup>3</sup> E-mail: m.z.m.raeesi@gmail.com